

Principles Governing Personal Financial Management (Focusing on the Allocation Section) Based on the Supreme Leader Ayatollah Khamenei's Statements

Mohammad Reza Simiari⁻
Ali Rezaeian⁻
Hosein Hasanzadeh Sarvestani⁻

Received: 06/11/2018

Accepted: 08/02/2020

Abstract

Personal finance Management is one of the components of self-management and of finance levels in which the concepts and processes of managing personal finances such as earnings, asset purchases, financial planning, and investment are reviewed. In general, personal finance can be divided into two parts: earnings and allocation of funds. Meanwhile, teachings of Islam as a comprehensive religion are full of attitudes and orders related to personal finance. The issue of this research is the extrapolation of the principles from pure Islam that contribute to the allocation of personal finance; These principles shape Muslims' attitudes toward personal financial management and the allocation of property and guide and support the style of personal financial management. To elaborate these principles, the statements of the Supreme Leader Ayatollah Khamenei as an Islamologist (*mujtahid*) and well-informed person about the exigencies of the time have been considered. The extrapolated principles include three categories: fundamental, superstructural, and expedient. Fundamental principles focus on the attitudes and superstructural principles on the operational bases of personal property allocation. The expedient principles help adaptation to different conditions and make the offered framework flexible and dynamic.

Keywords

Self-Management; Islamic Finance; Personal Finance; Statement by Supreme Leader Ayatollah Khamenei.

⁻ PhD Student in Financial Management, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran
m_simiari@sbu.ac.ir

⁻ Professor of Organizational Behavior Management, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran
a_rezaeian@sbu.ac.ir

⁻ Assistant Professor of Financial Management, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadiq University, Tehran, Iran (Corresponding Author). h.hasanzadeh@isu.ac.ir

دوفصلنامه علمی اندیشه مدیریت راهبردی (اندیشه مدیریت)، مقاله پژوهشی،
سال چهاردهم، شماره اول (پیاپی ۲۷)، بهار و تابستان ۱۳۹۹، صص. ۱۶۰-۱۲۵

اصول حاکم بر مدیریت مالی شخصی (با تأکید بر بخش تخصیص) مبنتی بر بیانات مقام معظم رهبری

محمدرضا سیمیاری -

علی رضائیان -

حسین حسن زاده سروستانی -

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۹

مقاله برای اصلاح به مدت ۹۶ روز نزد نویسنده (گان) بوده است.

چکیده

مدیریت مالی شخصی یکی از اجزای مدیریت بر خویشتن و از سطوح علوم مالی است که در آن مفاهیم و فرآیندهای اداره امور مالی شخصی مانند کسب درآمد، خرید دارایی‌ها، برنامه‌ریزی مالی و سرمایه‌گذاری بررسی می‌شود. به‌طور کلی مالی شخصی را می‌توان به دو بخش کسب درآمد و تخصیص منابع مالی تقسیم‌بندی کرد. آموزه‌های دین اسلام به‌عنوان دین خاتم و جامع - سرشار از نگرش‌ها و دستورات مرتبط با مالی شخصی است. مسأله این پژوهش استخراج اصولی است که اسلام ناب، برای تخصیص منابع مالی شخصی به مسلمانان ارائه می‌دهد؛ اصولی که نگرش مسلمین را نسبت به مدیریت مالی شخصی و چگونگی تخصیص اموال، شکل می‌دهد و سبک مدیریت مالی شخصی را جهت‌دهی و پشتیبانی می‌کند. برای استخراج این اصول به‌مرور بیانات مقام معظم رهبری آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان اسلام‌شناس (مجتهد و فقیه) و آگاه به اقتضائات زمانه پرداخته شد و با روش تحلیل مضمون، اصول نگرشی تخصیص منابع مالی شخصی استخراج شد. اصول مستخرجه شامل سه دسته بنیادین، روبنایی و اقتضائی هستند. اصول بنیادین به مبانی نگرشی و اصول روبنایی به مبانی عملیاتی تخصیص و تجهیز اموال شخصی می‌پردازد. همچنین اصول اقتضائی باعث تطبیق‌پذیری اصول با شرایط مختلف هستند و چارچوب ارائه‌شده را منعطف و پویا می‌نمایند.

واژگان کلیدی

مدیریت خویشتن؛ مالی اسلامی؛ مالی شخصی؛ بیانات مقام معظم رهبری آیت‌الله خامنه‌ای.

m_simiari@sbu.ac.ir

- دانشجوی دکتری مدیریت مالی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

a_rezaeian@sbu.ac.ir

- استاد مدیریت رفتار سازمانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

- استادیار مدیریت مالی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران

h.hasanzadeh@isu.ac.ir

(نویسنده مسئول)

مقدمه و بیان مسأله

مدیریت خویشتن^۱ برای همگان یک ضرورت و پیش‌نیاز اساسی مدیریت اثربخش بر افراد، گروه‌ها و جوامع نیز هست (رضائیان، ۱۳۹۳، ص. ۱۸۶). مدیریت مالی شخصی^۲ یکی از اجزای مدیریت بر خویشتن و از سطوح دانش مالی^۳ است. در مالی شخصی به اداره امور مالی در سطح شخصی توسط اشخاص پرداخته می‌شود. مفاهیم و فرآیندهایی مانند هدف‌گذاری مالی، برنامه‌ریزی مالی، مسیر شغلی و کسب درآمد، خرج و پس‌انداز، خرید دارایی‌ها، سرمایه‌گذاری، مدیریت ریسک و بیمه، مدیریت پول و به‌طور عام هر آنچه با زندگی مالی در سطح شخصی در ارتباط است، پرداخته می‌شود.

یکی از عوامل مؤثر بر مالی شخصی، ارزش‌ها و نگرش‌های بنیادین اشخاص است (Kapoor, Diabay, Hughes & Hart, 2015, p. 11). ارزش‌ها و نگرش‌های تفکر غربی و اومانیسیم مبتنی بر معرفت‌شناختی حسی و تجربی، بر تصمیم‌های مالی اشخاص تأثیرگذار است. آثار علمی نوشته‌شده پیرامون مالی شخصی، با نگرش مادی و رویکردها، باورها و ارزش‌های حاکم بر جوامع و اقتصاد غربی (معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و هستی‌شناسی غربی) ایجاد شده‌اند؛ درحالی‌که دین مبین اسلام به‌عنوان آخرین و کامل‌ترین دین، در حوزه اصول نگرشی و دستورات اجرایی، آموزه‌های دقیقی برای زندگی، سعادت دنیوی و اخروی انسان‌ها ارائه می‌کند. اسلام در مالی شخصی نیز دارای آموزه‌هایی در دو حوزه نگرش‌ها و دستورات اجرایی مبتنی بر جهان‌بینی اسلامی است. لازم است هر مسلمان بدانند دین اسلام چه الگویی برای امور مالی شخصی وی طراحی کرده است. در جامعه امروزی که آثار غربی باور متعارف علمی را شکل داده‌اند، ارائه اصول مدیریت مالی شخصی مبتنی بر آموزه‌های اسلام امری لازم است؛ این نگرش‌ها و اصول پذیرفته‌شده هستند که رفتارها و سبک زندگی انسان‌ها را در اداره کردن امور مالی خودشان، شکل می‌دهند. همچنین در مواجهه علمی اسلام و تفکر منسلخ از خدا، ارائه این اصول ضرورت دارد.

الگوی مالی شخصی اسلامی، باید در دو حوزه اصلی تجهیز منابع (درآمدها) و تخصیص منابع به مسلمانان نگرش صحیح و دستورات اجرایی ارائه نماید؛ زیرا انسان از دو ساحت اصلی نگرش‌ها و رفتارها تشکیل شده است. در نتیجه ضروری است

الگویی برای مالی شخصی مبتنی بر تعالیم اسلامی ارائه شود. یکی از اجزای لازم این الگو، اصول نگرشی حاکم بر تخصیص منابع مالی شخصی است. مسأله اصلی این پژوهش، یافتن اصول نگرشی است که اسلام برای اداره کردن امور مالی شخصی به انسان‌ها ارائه می‌دهد. منظور از اصول نگرشی، باورها، اعتقادات و ارزش‌های کلی است که در سطوح بنیادین و روبنایی در جهت‌دهی تخصیص منابع مالی اشخاص مؤثر است. به عبارت دیگر، از منظر اسلام، یک مسلمان باید چه نگرش‌هایی نسبت به اموال شخصی خود و نحوه اداره کردن و تخصیص آن داشته باشد؟ نگرش‌هایی که رفتارها و سبک مدیریت مالی شخصی وی را جهت‌دهی و پشتیبانی می‌کنند.

برای استخراج این اصول نیاز به دو تخصص است؛ یکی اسلام‌شناسی (اجتهاد) و دیگری آگاهی به مسائل زمانه (درک مسائل اجتماعی). بدین منظور به بیانات مقام معظم رهبری به‌عنوان «ولی فقیه» و «اسلام‌شناس واقف بر اقتضات زمانه» به‌طور روشمند مراجعه می‌کنیم. مقام معظم رهبری با توجه به جایگاه «ولایت فقیه» و منصب اجتماعی‌شان، دارای هر دو تخصص لازم - یعنی اسلام‌شناسی و احاطه به اقتضات زمانه - هستند.^۴ در نتیجه مسأله این پژوهش چنین است: «اصول حاکم بر تخصیص منابع مالی شخصی مبتنی بر بیانات مقام معظم رهبری چیست؟»

۱. ادبیات نظری مالی شخصی

مالی شخصی مطالعاتی بر منابع مالی شخصی و خانوادگی برای دست یافتن به موفقیت مالی است. مالی شخصی شامل چگونه خرج کردن^۵، پس‌انداز کردن^۶، محافظت کردن^۷ و سرمایه‌گذاری^۸ منابع مالی می‌شود (Garman & Forgue, 2010, p. 4).

تاکنون تعاریف متعددی برای «مالی شخصی» ارائه شده است ولی در حال حاضر هیچ توافقی برای تعریف وجود ندارد. ائتلاف «جامپ استارت»^۹ در الگوی استانداردهای مالی شخصی خود، مالی شخصی را نیز این‌چنین تعریف کرده است: «اصول و شیوه‌هایی که افراد برای کسب و مدیریت درآمد و دارایی‌ها از آن استفاده می‌کنند مالی شخصی نامیده می‌شود» (پیغامی و مرادی‌باصیری، ۱۳۹۵، ص. ۲۱).

در مدیریت مالی شخصی می‌خواهیم دارایی‌ها، بدهی‌ها و سرمایه خود را مدیریت کنیم، درآمد خود را افزایش داده و هزینه‌های خود را کنترل نماییم، پس‌انداز کرده و از این پس‌انداز استفاده نموده و سرمایه‌گذاری کنیم؛ هدف ما از آن صرفاً ایجاد یک تعادل مالی نیست بلکه برای دستیابی به یک موفقیت مالی و احساس رضایت، امنیت و آرامش در زندگی است (هراتیان، ۱۳۹۴). مدیریت مالی شخصی شامل مؤلفه‌های پس‌انداز، مدیریت بدهی، مدیریت دارایی‌ها و کارآفرینی می‌شود (شمس و زمانی‌نیا، ۱۳۹۴).

کاپور و دیگران (۲۰۱۵) عوامل مؤثر بر تصمیم‌های مالی شخصی را این‌گونه بیان می‌کنند: «عوامل مختلفی که تصمیم‌گیری‌های مالی روزانه را تحت‌تأثیر خود قرار می‌دهند وابسته به سن و تعداد اعضای خانواده تا نرخ بهره و تورم هستند. چنانچه مدیریت مالی شخصی را به‌عنوان یک سیستم در نظر بگیریم که دارای ورودی، فرآیند و خروجی می‌باشد، ورودی‌های این سیستم شامل ارزش‌ها، نگرش‌ها، سبک زندگی، خواسته‌ها، نیازها، افراد پیرامون، منابع انسانی، منابع مادی و مواد اولیه، ارتباطات، پول و ثروت شخص است. براساس این ورودی‌ها برنامه‌هایی برای هزینه‌ها و پس‌اندازها، مدیریت ریسک و... تنظیم می‌شود تا براساس برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، اجرا، کنترل و ارزیابی، تطبیق یافتن، بازخورد، ارتباطات و دیگر تلاش‌های مدیریتی به خروجی سیستم که دست‌یافتن به اهداف مالی شخصی است نائل شوند. سه رکن اصلی و اساسی که فعالیت‌های برنامه‌ریزی مالی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند عبارتند از: اول موقعیت زندگی مانند جوانی و پیری، دوم ارزش‌های شخصی که مجموعی از عقاید و اصولی هستند که افراد آنها را صحیح، مطلوب و مهم می‌پندارند. ارزش‌ها به دو دسته ارزش‌های بنیادین و ارزش‌های مقطعی تقسیم می‌شوند. ارزش‌های بنیادین، ارزش‌های ثابت و غیرقابل‌تغییر هستند مانند «صداقت» و «تعهد» اما ارزش‌های مقطعی ارزش‌هایی است که در هر دوره از زندگی و توسط افراد مختلف، می‌تواند متفاوت باشد؛ مانند توجه به زیبایی. این ارزش‌ها اثر مستقیم بر روی رفتارها می‌گذارد و نحوه هزینه کردن و پس‌انداز کردن را نیز مشخص می‌کند. مثلاً اگر توجه به زیبایی برای کسی ارزش باشد، در آن جهت بیشتر هزینه خواهد کرد و سوم عوامل اقتصادی مانند: قیمت‌های مصرفی، نرخ تورم، بیکاری و... (Kapoor, Diabay & Hughes, 2012, p. 11). در این

پژوهش، به عامل ارزش‌های شخصی که همان نگرش‌های اشخاص هستند، پرداخته شده است.

۲. پیشینه پژوهش

سابقه پژوهش در حوزه مالی شخصی در غرب به بیش از دو قرن بازمی‌گردد. برای مثال در سال ۱۷۹۵ میلادی آقای دیوید داویس^{۱۰} در کتابی به نام «مسأله کارگران در فعالیت‌های کشاورزی» با کار میدانی و بررسی بودجه ۱۳۵ خانواده کارگر کشاورزی انگلستان به بیان تدابیر مالی برای رهایی آنها از پوشش هزینه‌ها توسط درآمدشان پرداخته است (مرادی‌باصیری، ۱۳۹۳، ص. ۱۷).

در طول این دو قرن پژوهش‌های متعددی پیرامون مالی شخصی در غرب انجام شده است، دو کتاب مالی شخصی (Kapoor, Diabay, Hughes & Hart, 2015) و مالی شخصی (Garman & Forgue, 2010) از متون پیشرو در مالی شخصی در دنیا هستند. در این کتاب‌ها اجزای مالی شخصی بیان شده است؛ اموری مانند خرید اموال و مخارج زندگی، مدیریت پول و سرمایه‌گذاری اجزای تخصیص منابع مالی شخصی هستند.

در ادامه به بررسی پیشینه مالی شخصی با نگاه اسلامی پرداخته می‌شود. کتاب «الگوی تخصیص درآمد و نظریه رفتار مصرف‌کننده مسلمان» (حسینی، ۱۳۸۸)، به مقایسه رفتار مصرف‌کننده در دیدگاه لیبرال و سرمایه‌داری با دیدگاه یک فرد مسلمان می‌پردازد. در دیدگاه سرمایه‌داری، دئیسم، طبیعت‌گرایی، اصالت انسان و فردگرایی از مؤلفه‌های اساسی موضوع به‌شمار می‌آیند. اما مفهوم محوری در اندیشه اسلامی خداوند است و انسان جانشین او محسوب می‌شود. در این دیدگاه، خوشبختی انسان در گرو تربیت دینی و معنوی است. از سوی دیگر، اهداف و انگیزه‌های فرد مسلمان در مقایسه با فرد لیبرال متفاوت است. در اندیشه اسلامی، انحصار انگیزه‌های انسان در لذت‌جویی خودکامه و نادیدن گرایش‌های متعالی نفس، انحراف از جوهره اصیل انسانی به‌شمار می‌آید. در بررسی مفهوم خردگرایی و روش دستیابی به اهداف مصرف‌کننده نیز درمی‌یابیم که عقلانیت ابزاری برای دست یافتن به اهداف فرد مسلمان کفایت نمی‌کند؛

چراکه او برای تأمین اهداف خود علاوه بر معیارهای عقلی از معیارهای وحیانی نیز بهره می‌گیرد. در دیدگاه دینی، تخصیص درآمد محدودیت‌هایی نیز دارد. تحریم کنز و وجوب انفاق در راه خدا، حرمت تبذیر و اسراف، اتلاف و اتراف از آن جمله است. در منابع اسلامی، به این حوزه‌های اصلی تخصیص درآمد اشاره شده است: مخارج مصرفی، مخارج مشارکت اجتماعی، مخارج پس‌انداز و سرمایه‌گذاری. عوامل مؤثر بر تخصیص درآمد و تعیین میزان مخارج فرد مسلمان نیز متفاوت هستند. نیاز، سطح درآمد، تقوا، تبلیغات، قیمت کالا، سلیقه مصرف‌کننده، برخی از آن عوامل محسوب می‌شوند.

نعمتی، تنهایی مقدم و مرادی‌باصیری (۱۳۹۵) در کتابی با عنوان «اقتصاد خانوار در اسلام» پس از مرور تجربیات دنیا و ادبیات متعارف اقتصاد خانواده و سواد مالی، به بررسی و تحلیل اقتصاد خانواده در ادبیات اسلامی و تمدنی می‌پردازد و عقاید اقتصادی را مالکیت و رزاقیت الهی، شکر، زهد، وسیله بودن (نه هدف بودن) کسب روزی، اثر معنوی اعمال بر رزق و تأثیر افراد بر زندگی خویش بیان می‌کنند. همچنین در ادامه هدف از مصرف و اصول کلی حاکم بر مصرف را بیان می‌نمایند.

در دیگر پژوهش‌های مالی شخصی که در جدول (۱) خلاصه شده این‌طور مشاهده می‌شود عواملی مانند زهد و شکر که جنبه ملکات اخلاقی دارند در کنار عوامل اعتقادی مانند مالکیت الهی ذکر شده‌اند، درحالی‌که در مقاله حاضر دسته‌بندی گویاتری از عوامل ارائه شده است. نوآوری این پژوهش نسبت با آثار مذکور این است که از بین آموزه‌های پر تعداد اسلام در حوزه مالی شخصی، مقام معظم رهبری در بیانات خود، با توجه به مصلحت فعلی اشخاص و جامعه در اقتضائات کنونی کشور، به اولویت‌ها اشاره می‌کنند؛ اولویت‌هایی که ناظر به رفتار اقتصادی یک مسلمان ایرانی در شرایط کنونی کشور است. این اولویت‌ها می‌تواند اصول و چارچوبی جهت برنامه‌ریزی اشخاص در شرایط کنونی، ترسیم کنند، مضاف بر اینکه تا به حال به موضوع مالی شخصی از منظر بیانات مقام معظم رهبری، پرداخته نشده است.

جدول (۱): پیشینه پژوهش

نویسنده (گان) (سال پژوهش)	اهداف و سؤالات اصلی	روش پژوهش	مهم ترین یافته‌ها
مرادی باصیری (۱۳۹۳)	معرفی شیوه رایج آموزش مالی شخصی در دنیا و جستجوی استانداردهای لازم برای آموزش مالی شخصی در ایران	مطالعه تاریخی، تحلیل انتقادی و داده بنیاد	پس از بررسی وضعیت آموزش سواد مالی در جهان، با تمرکز بر جهان بینی اقتصاد اسلامی (خالقیت و مالکیت الله، هدف‌داری آفرینش، خلافت انسان، مسئولیت‌پذیری انسان و...) و اصول تشریحی و حقوقی اسلامی (مالکیت اعتباری ظلی، عدالت اجتماعی و اقتصادی، حرمت اکل مال به باطل و...) و مبانی انگیزشی رفتار اقتصادی در اسلام، گزاره‌های فقهی خرید و فروش کالاها و خدمات را در اقسام حرام، مکروه، مستحب، واجب، آداب بیع و ربا و خیارات و گزاره‌های اخلاقی خرید و فروش بیان می‌کند. سپس پیش‌نویسی جهت آموزش اقتصادی در چهار استاندارد تصمیم‌گیری، مسئولیت‌پذیری و محبت متقابل، کسب درآمد و رزق، خرید و فروش کالاها و خدمات و سرمایه‌گذاری ارائه می‌کند.
اسلامی (۱۳۸۷)	الگوی برنامه‌ریزی مالی شخصی با توجه به تعالیم اسلامی	کتابخانه‌ای - اسنادی	تعالیم اسلامی را در سه حوزه اعتقادات (روابط انسان با خدا، جهان، جامعه و خودش)، اخلاقیات (صبر و شکیبایی، استغناء، زهد، انصاف و...) و احکام (مشارکت، مزارعه، مساقات، اجاره، خمس، زکات و...) در ماتریسی با توجه به اجزای برنامه‌ریزی مالی شخصی ارائه کرده است.

<p>بازده درک شده و هزینه زمان، عامل اصلی در آموزش مالیه شخصی است. علاقه دانشجویی به موضوعات مالی شخصی خاص با شرایط یا ویژگی های مرتبط است. از آنجایی که آموزش مالی شخصی برای دانشجویان داوطلبانه است، طراحی پردیس ها حول فضای دانشجویی می تواند مشارکت آنها را افزایش دهد.</p>	<p>روش تجربی^{۱۱}</p>	<p>این مطالعه دانشجویان مقطع کارشناسی را برای آموزش مالی شخصی با استفاده از عوامل تعیین کننده کلاسیک تقاضا و جنسیت مورد بررسی قرار می دهد تا عوامل مؤثر بر افزایش مشارکت دانشجویان در آموزش مالی به دست آورد.</p>	<p>Harrington & Smith (2017)</p>
--	-------------------------------	---	--------------------------------------

کتاب «سواد مالی» از آقایان پیغامی و مرادی باصیری، در جستجوی استانداردهای لازم برای آموزش سواد مالی در ایران است. پایان نامه «الگوی برنامه ریزی مالی شخصی» آقای اسلامی با توجه به تعالیم اسلامی تدوین شده است. کتاب های جهان بینی توحیدی از جمله شهید مطهری در حوزه اعتقادات، معراج السعاده مرحوم نراقی در حوزه اخلاق و تحریر الوسیله امام خمینی (ره) در حوزه احکام، به ارائه الگویی جهت برنامه ریزی مالی شخصی اسلامی پرداخته اند. نوآوری این مقاله نسبت به پژوهش های مذکور این است که اصول نگرشی حاکم بر تخصیص منابع مالی شخصی مبتنی بر بیانات رهبر انقلاب، ارائه خواهد شد؛ همچنین تمرکز بر قسمت تخصیص منابع مالی شخصی - که جزئی از برنامه ریزی مالی شخصی است - و درک اصول نگرشی کلی با توجه به شرایط و اقتضائات زمانه، به منظور عملیاتی ساختن آموزه های اسلامی از نوآوری این مقاله است.

۳. روش پژوهش

با توجه به اینکه هدف پژوهش استخراج اصول تخصیص منابع مالی شخصی براساس بیانات مقام معظم رهبری است، نحوه بهره مندی از منابع به لحاظ روش شناختی اهمیت پیدا می کند. جهت گیری این پژوهش، بنیادی و در زمره پژوهش های کیفی قرار می گیرد و

از رویکرد استقرایی برای استخراج این اصول استفاده می‌شود. از میان راهبردهای پژوهش کیفی، راهبرد تحلیل مضمون استفاده می‌شود. برای پی‌بردن به اندیشه مقام معظم رهبری در موضوع اصول تخصیص منابع مالی شخصی به بیانات ایشان-که حاکی از اندیشه‌های ایشان است-رجوع شد. در این میان، علاوه بر تحلیل داده‌های مکتوب از منابع الکترونیکی که توسط مؤسسه انقلاب اسلامی تهیه شده بود، استفاده شد. برای تحلیل و کدگذاری داده‌های جمع‌آوری شده، از نرم‌افزار اکسل استفاده شد. در ادامه به‌طور مختصر روش تحلیل مضمون توضیح داده شده و سپس گام‌های عملیاتی روش پژوهش این مقاله، بیان خواهد شد.

۴. تعریف تحلیل مضمون

مضمون یا تم^{۱۲}، بیانگر اهمیت در داده‌ها در رابطه با سؤالات تحقیق است و تا حدی معنی و مفهوم الگوی موجود در مجموعه‌ای از داده‌ها را نشان می‌دهد (Braun & Clarke, 2006, p. 88). مضمون الگویی یافته شده از داده‌ها است که حداقل به توصیف و سازماندهی مشاهدات و حداکثر جنبه‌هایی از پدیده موردبررسی را تفسیر می‌کند (Boyatzis, 1998, p. 4). تحلیل مضمون تکنیکی برای شکستن متن و یافتن نکات معقول و برجسته روشنی در درون متن است (عابدی‌جعفری، تسلیمی، فقیهی و شیخ‌زاده، ۱۳۹۰، ص. ۲۳). تحلیل مضمون فرآیندی برای تحلیل اطلاعات کیفی است، این روش صرفاً یک روش کیفی همانند دیگر روش‌ها نیست بلکه فرآیندی است که می‌تواند در اکثر روش‌های کیفی به‌کار رود. از تحلیل مضمون می‌توان به‌خوبی برای شناخت الگوهای موجود در داده‌های کیفی استفاده کرد. این روش، مهارت‌های اساسی موردنیاز برای بسیاری از تحلیل‌های کیفی را فراهم می‌کند (Holloway & Todres, 2003). تحلیل مضامین، شبکه‌ای از مضامین ایجاد می‌کند و درنهایت، با تحلیل آنها، مفاهیم کلیدی، استخراج و مدل، تبیین می‌گردد (Stirling, 2001). تحلیل مضمون شامل سه دسته به شرح زیر است:

الف) مضامین پایه^{۱۳}: کدها و نکات کلیدی موجود در متن؛

ب) مضامین سازمان‌دهنده^{۱۴}: مقولات به‌دست‌آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه؛

ج) مضامین فراگیر^{۱۵}: مضامین عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به‌عنوان یک کل.

۴-۱. مراحل اجرای تحلیل مضمون

تحلیل مضمون شامل سه مرحله است. در مرحله اول، متن موردبررسی (که در این پژوهش، متن بیانات مقام معظم رهبری است) تجزیه و توصیف می‌شود؛ جهت این امر لازم است به‌وسیله مطالعه متن با آن آشنا شد، هر متن را به بخش‌های کوچک‌تری تجزیه کرد و ویژگی‌های جالب متن را کدگذاری اولیه نمود؛ پس از کدگذاری‌های انجام‌شده، مضامین را استخراج کرد. در مرحله دوم، هم‌خوانی مضامین استخراج‌شده با کدهای اولیه کنترل می‌شود، مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر انتخاب و نقشه مضامین ترسیم می‌شود، سپس مضامین، تحلیل می‌شوند. در مرحله سوم، شبکه مضامین به‌طور صریح و مختصر بیان می‌شود و گزارش علمی و تخصصی تحلیل نوشته می‌شود (عابدی‌جعفری، تسلیمی، فقیهی و شیخ‌زاده، ۱۳۹۰، ص. ۱۸۷).

۴-۲. کاربری روش تحلیل مضمون در پژوهش

۴-۲-۱. جامعه آماری و گردآوری داده‌ها

از آنجایی که پاسخ مسائل پژوهش مبتنی بر بیانات مقام معظم رهبری است، بیانات ایشان قبل و بعد از آغاز رهبری تا پایان مردادماه سال ۱۳۹۵ در کانون تحلیل قرار گرفت. بیانات ایشان که در نقش داده‌های اولیه این پژوهش هستند، از سایت رسمی دفتر حفظ و نشر آثار معظم‌له و نرم‌افزار حدیث ولایت از مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور، استخراج شد. نرم‌افزار مذکور حاوی تمام رهنمودهای معظم‌له و باقابلیت بروزرسانی است. مرور کلی بیانات معظم‌له و فیش‌برداری از آن بیاناتی که مرتبط با موضوع و مسأله پژوهش است، خود نقطه قوتی برای جمع‌آوری داده‌ها نسبت به جستجوی کلیدواژه‌ای است؛ زیرا با روش مذکور، بیانات مرتبطی که کلیدواژه مسأله در آنها صریحاً ذکر نشده ولی داده‌ای مناسب برای پژوهش ماست، از قلم نمی‌افتد. مضافاً بر اینکه جستجوی برخی مفاهیم مرتبط در سال‌های قبل رهبری ایشان باعث غنی‌تر شدن داده‌ها است. پس از مرور و مطالعه بیانات مقام معظم رهبری، مباحثی که به‌نوعی با اصول تخصیص منابع مالی شخصی

ارتباط داشت، مشخص و استخراج شد سپس تلاش شد تا هرکدام از بیانات، در قالب یک یا چند فیش و همچنین یک کد یا بیشتر ارائه شود. برای بالا بردن میزان اعتماد به داده‌ها، این کدگذاری‌ها بارها توسط جلسات هم‌اندیشی و گروه کانونی پژوهشگران بررسی شد و مورد اصلاح، جرح و تعدیل قرار گرفت. نهایتاً، تعداد کدهای اولیه ۱۲۲ مورد شد. به‌عنوان نمونه یکی از فیش‌های کدگذاری شده در جدول (۲) قابل مشاهده است. پس از کدگذاری اولیه، پژوهشگران با انبوهی از داده‌های خام روبرو شدند؛ در این مرحله برای استخراج مضامین پایه، کدهای اولیه با یکدیگر مقایسه و تلاش شد زمینه‌های مشترک آنها کشف و مفاهیم مشابه در قالب طبقه‌بندی‌های یکسان، ارائه شوند.

جدول (۲): نمونه کدگذاری

تاریخ	متن فیش	کدگذاری اولیه	مضمون پایه
۱۳۸۵/۱۱/۳۰	این آیه شریفه را ملاحظه کنید - سوره قصص، آیات مربوط به قارون - قارون یک نمونه‌ی کامل و یک ثروتمند نامطلوب از نظر اسلام و قرآن و شرع و همه است. از قول قوم قارون (یا بزرگان و متدینین بنی اسرائیل، یا حضرت موسی) قرآن نقل می‌کند؛ «قال له قومه» - این حرف‌ها از آدم‌های عامی و معمولی نیست؛ بنابراین حرف‌های معتبری است. علاوه بر اینکه قرآن این حرف‌ها را تقریر می‌کند؛ یعنی بیان و اثبات می‌کند - که به او می‌گویند: «و ابتغ فیما اتاک الله دار الآخرة»؛ آنچه که خدا به تو داد، این را وسیله به دست آوردن آخرت قرار بده. در روایات ما هم هست: «نعم العون الدنیا علی الآخرة»؛ از این ثروت برای آباد کردن آخرت استفاده کن. توصیه دوم: «و لا تنس نصیبک من الدنیا»؛ سهم خودت را هم فراموش نکن. خود تو هم سهمی داری، نصیبی داری؛ آن را هم ما نمی‌گوییم که استفاده نکن؛ خودت بهره‌مند نشو از این ثروت؛ نه، بهره‌مند هم بشو؛ مانعی ندارد. سوم: «و أحسن کما أحسن الله إلیک»؛ خدا به تو	ثروت، نعمتی است که خدا به انسان داده است	اموال، نعمت‌های الهی
	مصرف اموال نباید از نظر شرع مصرف نامطلوبی باشد و یا در فساد صرف شود	رعایت ارزش‌ها در تخصیص منابع	
	استفاده از ثروت برای آباد کردن آخرت، نه برای فساد	آخرت‌گرایی	

		<p>این ثروت را داده؛ تو هم وسیله‌ای بشو که بتوانی این ثروت را به دست مردمی که نیازمندند، برسانی. یعنی سهمی از این را به مردم بده. چهارم: «و لا تبغ الفساد فی الأرض»؛ فساد ایجاد نکن. آفت ثروت که باید از آن جلوگیری کرد، ایجاد فساد است. مترف نشو. به او نمی‌گویند ثروت جمع نکن، یا از این ثروتی که داری، برای ازدیاد آن استفاده نکن؛ یا آن را به کار تولید و سازندگی و تجارت زن؛ می‌گویند سوءاستفاده نکن؛ از این ثروت استفاده خوب بکن، که بهترین استفاده این است که آخرت را با این آباد کنی. نصیب خودت را هم داشته باش؛ سهم خودت را هم داشته باش. منطق اسلام این است.</p>	
--	--	--	--

منبع: یافته‌های تحقیق

برای مثال شبکه مضامین اصول بنیادین نگرشی این گونه است:



شکل (۱): شبکه مضامین اصول بنیادین نگرشی

منبع: یافته‌های تحقیق

در مرحله کدگذاری سازمان‌دهنده، وجوه مشترک مؤلفه‌های برآمده از مراحل قبلی، شناسایی و با توجه به اشتراکات آنها در دسته‌بندی کلی‌تر و محدودتری به شرح جدول (۳) سامان‌دهی شدند:

**جدول (۳): مضامین اصول نگرشی تخصیص منابع مالی شخصی
مبتنی بر بیانات مقام معظم رهبری**

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
توجه به رزاقیت خداوند	اصول بنیادین تخصیص منابع مالی شخصی	
اموال، نعمت‌های الهی		
آخرت‌گرایی		
ریشه داشتن اموال شخصی در اموال عمومی		
فتنه‌انگیزی مال و زیاده‌خواهی نفس انسان		
تخصیص مالی دارای ظاهر و آثار آشکار و نهان		
اصلاح الگوی تخصیص منابع	اصول ثابت	
رعایت ارزش‌ها در تخصیص منابع		
تخصیص عاقلانه و دور از هوس		
اثربخشی تخصیص منابع مالی		
صرفه‌جویی در زندگی معمولی و گشاده‌دستی در راه مصالح عمومی		
دل‌بستگی به مال موجب غفلت از انجام وظایف الهی		
احساس مسئولیت نسبت به نیازمندان و حق آنها		
توجه به نقش تأثیرگذار بانوان در تخصیص منابع مالی شخصی		
عدم دل‌بستگی به تولیدات خارجی و توجه به تولید ملی		
توجه به وجود دشمن، سیاست‌های او و سبک زندگی غربی		
شرایط زمانی	شرایط اثرگذار بر	اصول اقتضائی

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
توجه به درآمد کشور و مصارف اقشار مختلف	تخصیص صحیح منابع مالی شخصی	
تأثیرگذاری جایگاه و مقام در نحوه تخصیص		
رابطه مستقیم مسئولیت و تکلیف با درآمد و بهره‌مندی		
رعایت توازن در نسبت مصرف به تولید		

منبع: یافته‌های تحقیق

۵. مفهوم‌شناسی مال

تعاریف و تقسیم‌بندی‌های مختلفی درباره مال وجود دارد، برای نمونه مالیت از نگاه فقیهان شیعه با شرایطی محقق می‌شود، یکی اینکه قابل انتفاع بوده و نزد عقلاء دارای منفعت قابل توجهی باشد؛ دیگر اینکه شارع آن منفعت را حلال شمرده باشد و ارزش مبادلاتی داشته باشد «يُبَدَلُ بِأَذَانِهِ مَالٌ». همچنین برخی از فقهای امامیه مال را به اعتبار وجود آن در خارج، به‌عین، منفعت و حق تقسیم‌بندی می‌کنند (موسویان و بهاری‌قراملکی، ۱۳۹۱، ص. ۲۲۷).

با مرور کامل بیانات مقام معظم رهبری در حوزه مسأله پژوهش و پس از اشراف کلی بر مطالب، به نظر می‌رسد «مفهومی که به‌عنوان «مال» در بیانات معظم‌له لحاظ می‌شود، همه نعمت‌های الهی در دسترس اشخاص اعم از آب، خاک، نان، غذا، میوه، پول و ثروت (۱۳۹۳/۱۱/۲۷)، کالاها و اجناس، مطلق دارایی‌ها (۱۳۹۰/۰۱/۰۸)» و مواردی از این قبیل را شامل می‌شود.^{۱۶} مضافاً بر اینکه، در بیانات استفاده‌شده از ایشان در پژوهش جاری، لفظ «مال» با تکرار زیادی استفاده‌شده است. نتیجه اینکه با توجه به موضوع این مقاله اموال شخصی یعنی تمام اموالی که در بالا ذکر شد و تحت مالکیت هر شخص قرار دارد.

۶. یافته‌های پژوهش (اصول تخصیص منابع مالی مبتنی بر بیانات مقام معظم رهبری)

یکی از عوامل اساسی مؤثر بر برنامه‌ریزی مالی شخصی، ارزش‌ها و نگرش‌های اشخاص است (Kapoor, Diabay & Hughes, 2012, p. 11). در این قسمت به تبیین ارزش‌ها و نگرش‌های یک مسلمان ایرانی که در برنامه‌ریزی مالی شخصی مؤثر است،

از بیانات مقام معظم رهبری پرداخته خواهد شد. اصول تخصیص منابع مالی شخصی، مفاهیمی کلی است که در تمام فرآیند تخصیص منابع مالی شخصی جاری است. این اصول بینش‌ها، نگرش‌ها و عقایدی هستند که بر نحوه تخصیص منابع مالی توسط اشخاص تأثیر می‌گذارند.

اصول تخصیص منابع مالی شخصی به دو دسته اصول ثابت و اقتضایی تقسیم می‌شوند. اصول ثابت، گزاره‌های همواره صحیح هستند و اصول اقتضایی، اقتضانات مختلف و متغیر مؤثر در تخصیص منابع مالی را بیان می‌کنند. ابتدا اصول ثابت شامل اصول بنیادین و روبنایی - تشریح می‌شود و سپس اصول اقتضایی. در تشریح اصول، از بیانات معظم‌له استفاده شده است و در پایان هر بیانات، تاریخ آن درج شده است.

۷. اصول بنیادین تخصیص منابع مالی شخصی

اصول بنیادین، نگرش‌هایی براساس معارف اسلامی هستند که تخصیص عملی منابع مالی شخصی را پشتیبانی می‌کنند. به بیان دیگر، اصول بنیادین، اصول کلی‌ای هستند که اشخاص را به عمل به دستورات تخصیص منابع مالی شخصی هدایت و ترغیب می‌کنند.

۷-۱. توجه به رزاقیت خداوند در فرآیند تخصیص منابع مالی

یکی از اسامی خداوند متعال «رزاق» به معنی روزی‌دهنده است. از منظر توحید افعالی نیز، روزی‌دهنده حقیقی خداوند متعال است و تلاش‌های انسان جهت کسب روزی، در ارتباط طولی با رزاقیت خداوند متعال قرار دارد. توجه به این اعتقاد و بینش در تمام فرآیند مدیریت مالی شخصی از هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی تا تخصیص منابع مالی و سرمایه‌گذاری و مدیریت پول و مدیریت دارایی‌ها و... باعث می‌شود انسان از آفت‌هایی نظیر بخل، ترس از نداری، جمع کردن و کنز کردن مال و ثروت و رها شود؛ در نتیجه با آسودگی بیشتر اقدام به تخصیص منابع مالی در جای مناسب خود - اعم از مخارج روزانه، سرمایه‌گذاری و صدقات و انفاق - نماید. معظم‌له ضمن بیان یک روایت، این مطلب را این‌گونه خاطر نشان می‌سازند: «رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) وارد

منزلشان شدند و دیدند بلال حبشی که خدمتگزار منزل آن حضرت بود، مقداری خرما گوشه‌ای گذاشته، پیغمبر چشمشان افتاد به این خرماها و فرمودند که اینها را برای چه می‌خواهی؟ این چیست اینجا جمع کردی؟ گفت یا رسول‌الله چون شما گاهی مهمان برایتان می‌آید و وقتی مهمان دارید، ممکن است چیزی در منزل نباشد و شما می‌خواهی از مهمان پذیرایی کنی، این را نگه داشتیم برای روز مبادا که مهمانی برای شما بیاید. «اعد ذلک لاضیافک»؛ برای صرف شخصی خودمان هم نیست، برای مهمان‌هاست. پیغمبر در جواب او، برای یک‌مشت خرمایی که برای مهمان نگه‌داشته شده، ببینید چه می‌فرماید. فرمود: «اما تخشی ان تکون لک دخان فی نار جهنم»؛ نمی‌ترسی که این خرمایی که اینجا جمع کردی، این دودی بشود برای تو در آتش جهنم. معلوم می‌شود مردم محتاج بودند. به عبارت دیگر درحالی‌که مردم در بیرون به اینی که شما تو خانه‌ات جمع کردی، احتیاج دارند و شما این را نگه می‌داری و نمی‌دهی، نمی‌ترسی که خدای متعال این را وسیله عذاب تو قرار بدهد؟ بعد فرمود: «انفق یا بلال»؛ انفاق کن. «و لا تخش من ذی العرش اقلالاً»؛ از خدای متعال ترس کم و کسری نداشته باش، خدا خواهد رساند. یک روز هم حالا مهمان آمد تو خانه، نبود، خب، نباشد؛ خدا خواهد رساند ان‌شالله، از خدا نترس که کم و کسر در کار تو بگذارد، بده در راه خدا، آن وقتی که لازم است» (۱۳۶۶/۰۸/۲۹).

۲-۷. اموال، نعمت‌های الهی

اموال ملک خداوند هستند و خدای متعال مالک حقیقی آنها است؛ خداوند متعال این نعمت‌ها را به بندگان ارزانی داشته است. توجه به این اصل بینشی باعث می‌شود نعمت‌های الهی طبق رضایت و مصلحت مُنعم و صاحب نعمت تخصیص داده شود.

روایتی که بیان خواهد شد، تأثیرگذاری توجه به نگرش مذکور را در تخصیص منابع مالی نشان می‌دهد: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (ع) قَالَ: طُوبَى لِمَنْ لَمْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ كُفْرًا طُوبَى لِلْمُتَحَابِّينَ فِي اللَّهِ. از امام جعفر صادق (ع) روایت شده است که حضرت فرمودند: خوشا به حال کسی که نعمت خداوند را به کفران [نعمت] تبدیل نکند و خوشا به حال آنان که برای خدا به یکدیگر علاقه دارند. فرض بفرمایید داشتن مال دنیا

یک نعمت است؛ مال دنیا، نعمتی است که خداوند به بعضی عنایت می‌کند؛ می‌توان با این نعمت، درجات عالی را کسب کرد - صدقه داد، انفاق کرد، کسانی را از بدبختی و از هلاکت و گرسنگی نجات داد - می‌توان هم بلعکس، این پول را در راه‌های فساد، در راه‌های حرام، در راه اشاعه محرّمات، در راه افساد خود و دیگران به‌کار برد؛ این کفران نعمت الهی است» (۱۳۹۶/۰۲/۱۰).

۳-۷. آخرت‌گرایی

«این آیه شریفه را ملاحظه کنید - سوره‌ی قصص، آیات مربوط به قارون - قارون یک نمونه کامل و یک ثروتمند نامطلوب از نظر اسلام و قرآن و شرع و همه است. از قول قوم قارون (یا بزرگان و متدینین بنی‌اسرائیل، یا حضرت موسی)، قرآن نقل می‌کند؛ «قال له قومه» - این حرف‌ها از آدم‌های عامی و معمولی نیست؛ بنابراین حرف‌های معتبری است؛ علاوه بر اینکه خود قرآن این حرف‌ها را تقریر می‌کند؛ یعنی بیان و اثبات می‌کند - که به او می‌گویند: «و ابتغ فیما اتاک الله دار الآخرة»؛ آنچه که خدا به تو داد، این را وسیله به‌دست آوردن آخرت قرار بده. در روایات ما هم هست: «نعم العون الدنیا علی الآخرة»؛ از این ثروت برای آباد کردن آخرت استفاده کن» (۱۳۸۵/۱۱/۳۰).

«هرچه در راه خدا می‌دهیم، برای ما می‌ماند و در حقیقت برای «من» واقعی خودمان خرج کرده‌ایم. هرچه برای خودمان نگه می‌داریم، درحقیقت برای ما نمی‌ماند و مثل همه چیز دیگر دنیا از بین خواهد رفت. من در این خصوص اعتقاد راسخ دارم و هیچ نقطه غباری در ذهنم نیست» (۱۳۶۸/۰۴/۲۸).^{۱۷}

۴-۷. فتنه‌انگیزی مال و زیاده‌خواهی نفس انسان

«مال و پول، فتنه‌انگیز است؛ دل‌ها را از راه درمی‌برد؛ خیلی‌ها را می‌لرزاند؛ کسانی که آدم خیال نمی‌کند این‌ها هم بلغزند، اما آدم می‌بیند گاهی می‌لغزند» (۱۳۸۹/۰۳/۱۸). «انگیزه‌های مادی جذاب‌اند، خطرناک‌اند. پول چیز خطرناکی است...؛ اگر راه دل‌بستن به پول و به زندگی و به تشریفات و به جاه و جلال و اینها را بر روی دل‌باز کردید، دیگر واقعاً حد یقف ندارد» (۱۳۸۷/۰۳/۰۲). «مال فتنه‌انگیز، جاه‌طلبی، مقام‌طلبی،

راحت طلبی، عیش طلبی و تجمل طلبی چیزهایی است که تردید را از طریق جسم و شهوات، وارد دل و مغز انسان می‌کند» (۱۳۸۱/۰۶/۲۴).

۵-۷. ریشه داشتن اموال شخصی در اموال عمومی

در اسلام مالکیت خصوصی اشخاص پذیرفته شده و محترم است، اما این آیا بدین معناست که هر شخصی چون مالک دارایی خود است، بدون توجه به وضعیت مالی و معیشتی دیگران و امکانات اقتصادی جامعه می‌تواند هرطور تمایل داشت اموالش را تخصیص دهد و در آنها تصرف کند؟^{۱۸} از منظر ارزش‌های اسلامی، پاسخ منفی است؛ بنابراین در تخصیص منابع مالی باید «انضباط مالی» (۱۳۷۴/۰۱/۰۱) رعایت شود.

تولید ثروت شخصی، تحت امنیت عمومی داخلی و بین‌المللی کشور، منابع، زیرساخت‌ها و خدمات عمومی صورت گرفته است و از طرف دیگر مجموع همین ثروت‌های اشخاص نیز بخشی از ثروت عمومی کشور را تشکیل می‌دهد و «ثروت آحاد مردم، ثروت عموم کشور است» (۱۳۷۴/۰۱/۰۱)، در نتیجه «اموال شخصی هم، به‌نحوی به اموال عمومی برمی‌گردد» (۱۳۷۵/۰۱/۰۱). «پول اشخاص، از همین کشور و در سایه همین ملت و از همین آب‌و‌خاک به‌دست آمده است» (۱۳۷۲/۰۲/۱۵). مبتنی بر همین بینش است که معظم‌له در ادامه می‌فرماید: «کسانی که پول و امکانات دارند، فقط به فکر خودشان نباشند... چه کسی می‌تواند بگوید من پول دارم و در پولدار شدن خودم، مرهون خدمات دولت و ملت نیستم؛ مگر چنین چیزی می‌شود؟ از آسمان که برای انسان پول نمی‌ریزند! پول در همین زندگی و تلاش روزمره به‌دست می‌آید. هزاران نفر کار می‌کنند؛ یک نفر تصادفاً پول‌دار می‌شود. کسانی که پول و امکان دارند، این پول را فقط برای استفاده خودشان مصرف نکنند. شما اگر می‌خواهی درجایی سرمایه‌گذاری کنی و به کاری پردازی، فقط به فکر این نباش که اینکار چقدر به من سود می‌رساند؛ نمی‌گوییم هیچ ملاحظه شخص خودتان را نکنید. می‌گوییم ملاحظه کشورتان را هم نکنید. سرمایه‌گذاری‌های مضر و بی‌فایده نکنید. در کاری که تولید آن، مملکت را به پیش نمی‌برد سرمایه‌گذاری نکنید. کسانی که پول و امکانات دارند، وجدان دینی و احساس مسئولیت داشته باشند» (۱۳۷۲/۰۲/۱۵). همچنین مبتنی بر همین

بینش، ایشان «حرکت در سمت اصلاح الگوی مصرف اشخاص را نیز جلوگیری از ولخرجی‌ها و تضييع اموال جامعه بیان می‌کنند» (۱۳۸۸/۰۱/۰۱) و «خرید ماشین‌های گران‌قیمت، مصرف‌گرایی در مواد غذایی و دارویی و دور ریختن آنها و امثالهم که از خارج خریداری شده است را از دست رفتن ثروت و سرمایه مملکت بیان می‌کنند» (۱۳۷۷/۱۰/۰۴).

۶-۷. تخصیص مالی دارای ظاهر و آثار آشکار و نهان

اعمال و افعال ما دارای ظاهری و آثاری آشکار و غیرآشکار هستند. تخصیص منابع مالی نیز از این قاعده مستثنی نیست. ثمره این بینش توجه به هر دو جنبه در فرآیند تخصیص منابع مالی است؛ به‌عنوان مثال معظم‌له زکات را دارای روح و جسمی می‌داند که روح زکات «شکستن حرص و بخل درونی ما و از بین بردن دلبستگی به مال و زخارف دنیوی است» (۱۳۶۹/۰۲/۰۶). «باطن و ثمره دیگر اینکه شما که دست در جیب کردی و این پول را درآورده‌ای تا به‌دست گیرنده‌ای برسانی و درواقع فایده بردی و واقعیت همین است، چرا؟ چون اصل قضیه دل‌کندن از آن چیزی است که شما آن را متعلق به خودتان می‌دانید و اینکار بزرگ است، که در آیه شریفه قرآن می‌فرماید: «و من یوق شح نفسه فاولئک هم المفلحون» کسی که نگاه داشته شود از شح او رستگار است و مشکل دنیای امروز و گذشته همین است... مشکل بزرگ دنیا از زرمندان است، که بسیاری از اوقات از زر، زور خودشان را به‌دست آورند و بسیاری از اوقات به‌خاطر زر دنبال زور رفتند» (۱۳۷۰/۰۷/۲۴)، به‌عنوان مثال از یک پیامد غیرآشکار می‌توان گفت: «شما وقتی که جنس داخلی مصرف می‌کنید، ثروت ملی را افزایش داده‌اید» (۱۳۹۳/۰۱/۰۱)، یعنی پیامد تخصیص منابع مالی برای خرید کالای داخلی، افزایش ثروت ملی نیز هست.

۸. اصول روبنایی تخصیص منابع مالی شخصی

اصول روبنایی، اصولی هستند که در تخصیص منابع مالی باید موردتوجه قرار گیرند و نسبت به اصول بنیادین جزئی‌تر، روبنایی‌تر و کاربردی‌تر هستند.

۸-۱. اصلاح الگوی تخصیص منابع

«مسئولین و مردم-هر کدام که صدایشان به ما رسید- استقبال کردند؛ متخصصین و نخبگان و افراد مطلع در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی استقبال کردند، گفتند عجب شعار درستی است، شعار خوبی است» (۱۳۸۸/۰۶/۲۹). این نام‌گذاری و در پی آن تأیید نخبگان و عموم مردم، خبر از ضرورت و امکان‌پذیری این امر نیز می‌دهد، زیرا عقلا، خبرگان و حکیمان یک امر محال را هدف‌گذاری و تأیید نمی‌کنند.

۸-۲. رعایت ارزش‌ها در تخصیص منابع مالی

آیا تخصیص منابع مالی شخصی، نیاز به توجه، برنامه‌ریزی و پشتوانه نظری دارد؟ «در زمینه مصرف و هزینه کردن منابع مالی کشور که به‌وسیله خود ما و همه برادران هم‌میهن ما و به‌وسیله مسئولین کشور با زحمت زیاد به‌وجود می‌آید، دچار نوعی بی‌توجهی هستیم، که بایستی این را تبدیل کنیم به یک توجه و اهتمام خاص...؛ بسیاری از منابع کشور، شاید بشود گفت بخش مهمی از منابع کشور در همه زمینه‌ها -چه در زمینه مسائل شخصی، و چه تا حدودی در زمینه‌های عمومی- صرف اسراف‌ها و زیاده‌روی‌های ما در مصرف می‌شود» (۱۳۸۸/۰۱/۰۱). «همچنین مصرف اموال نباید از نظر شرع مصرف نامطلوبی باشد و یا در فساد صرف شود» (۱۳۸۵/۱۱/۳۰). «در فرآیند تخصیص منابع مالی، مواردی حرام است که باید به آنها توجه شود. به‌عنوان مثال می‌توان از تخصیص اموال در امور حرام و فساد، اتراف (۱۳۸۵/۱۱/۳۰، ۱۳۹۰/۰۲/۲۷ و ۱۳۷۰/۰۵/۲۳)، مصرف‌گرایی افراطی (۱۳۶۸/۰۱/۰۱)، اسراف (۱۳۷۵/۰۱/۰۱) و جمع ثروت بدون انفاق کردن (۱۳۶۶/۰۸/۱۵) نام برد». مورد دیگر، خطابی است که بزرگان قوم به قارون داشتند: «و لا تبغ الفساد فی الأرض»؛ فساد ایجاد نکن. آفت ثروت که باید از آن جلوگیری کرد، ایجاد فساد است، می‌گویند سوءاستفاده نکن» (۱۳۸۵/۱۱/۳۰). «همچنین اموری مانند مصرف‌گرایی، اشرافی‌طلبی، تجمل‌گرایی، اسراف و استفاده از برندهای خارجی در بیانات مقام معظم رهبری، ضدارزش هستند؛ باید چنین مفاهیمی را در تخصیص منابع مالی، ضدارزش تلقی کنیم؛ نسبت به آنها مشتاق و یا حتی بی-تفاوت نباشیم» (۱۳۷۰/۱۰/۱۲).

۸-۳. تخصیص عاقلانه و دور از هوس

«ما وظیفه داریم که زندگی خود را بر طبق آنچه که دین از ما خواسته است و عقل سلیم از ما می‌طلبد، تنظیم کنیم» (۱۳۷۶/۰۱/۰۱) «یکی از چیزهایی که قرآن و هدایت الهی به ما تعلیم داده است، تبعیت از داوری خرد و عقل انسانی است، یعنی پیروی از آنچه که عقل سلیم به آن حکم کند و قضاوت عقل پشت سر آن باشد، این هم یک امر قرآنی و دینی است و معیار است» (۱۳۹۲/۰۴/۱۹). در حوزه تخصیص منابع مالی، «عقل سلیم» به هوس و طمع فرمان نمی‌دهد، بلکه دستور می‌دهد که «در همه امور ما باید به صرفه‌جویی عادت کنیم. صرفه‌جویی، یعنی آن چیزی را که قابل استفاده است و می‌توانیم از آن استفاده کنیم، دور نریزیم. نسبت به امکانات، با هوس رفتار نکنیم. دائماً چیزهای ماندگار را نو کردن و چیزهای ضایع نشدنی را دور ریختن، روش درستی نیست» (۱۳۷۶/۰۱/۰۱). «مدیریت مصرف، نه فقط از نظر اسلام، بلکه از نظر همه عقلای عالم، چیزی است که باید تحت کنترل عقل قرار بگیرد. با هوا و هوس، با خواهش دل و آنچه که نفس انسان از انسان مطالبه می‌کند، نمی‌شود مصرف را مدیریت کرد» (۱۳۸۸/۰۱/۰۱). پیامد تخصیص غیرعاقلانه منابع مالی، ضرر به منافع شخصی و در نتیجه منافع ملی است. مصرف کردن بی رویه و بدون منطق و بدون تدبیر عقلانی، به ضرر کشور و به ضرر آحاد و اشخاص ماست (۱۳۸۸/۰۱/۰۱).

۸-۴. اثربخشی تخصیص منابع مالی

برای ارزیابی اینکه اهداف تعیین شده چه مقدار، کسب شده است، از شاخص «اثربخشی» استفاده می‌شود (رضائیان، ۱۳۸۸، ص. ۱۹). اثربخشی یعنی تحقق اهداف تعیین شده. اثربخشی از اصول مورد تأیید عقل سلیم است. در فرآیند تخصیص منابع مالی این اصل نیز مورد توجه قرار می‌گیرد؛ ثمره این اصل در مواردی مانند سرمایه‌گذاری‌ها، خرید دارایی‌های مصرفی، امور جاری و حتی امور خیریه مانند انفاق و صدقات قابل ملاحظه است. «صرفه‌جویی به معنای درست مصرف کردن، به‌جا مصرف کردن، ضایع نکردن مال، مصرف را کارآمد و ثمربخش کردن است. اسراف در اموال و در اقتصاد این است که انسان مال را مصرف کند، بدون اینکه این مصرف اثر و کارایی داشته باشد. مصرف

بیهوده و مصرف هرز، در حقیقت هدر دادن مال است» (۱۳۸۸/۰۱/۰۱). همچنین باید در تخصیص منابع مالی به موضوع اولویت‌بندی نیز توجه کرد. به‌عنوان مثال معظم‌له می‌فرماید: «شما مثلاً مبالغ زیادی مواد خوراکی در فلان مهمانی معمولی مصرف می‌کنید؛ در حالی که لازم نیست و در کنار شما و در همسایگی شما در یک محل دورتر، ولو در اقصی نقاط کشور، کسانی به این مواد غذایی برای ادامه زندگی خود و فرزندان و عزیزانشان نیاز مبرم دارند. آیا اینکار در چنین شرایط کار درستی است؟» (۱۳۷۴/۰۱/۰۱) در حالی که اگر اولویت‌بندی رعایت شود، قسمتی از مال نیز به نیازمندان لازم است تخصیص یابد. «همچنین اولویت‌بندی در مورد تخصیص منابع مالی عمومی خطاب به مسئولین نیز بیان شده است» (۱۳۷۴/۰۱/۰۱).

۹. صرفه‌جویی در زندگی معمولی و گشاده‌دستی در راه مصالح عمومی

این اصل در فرآیند تخصیص منابع مالی علی‌الخصوص هزینه‌های جاری، خریدها و مدیریت مصرف و تراحم آن با امور خیریه، عام‌المنفعه و انفاق تأثیرگذار است. معظم‌له این اصل را با بیان جالبی از عُرَف مردم اصفهان ذکر می‌نماید: «ما مال را وقتی می‌خواهیم در زندگی شخصی و معمولی خرج کنیم، صرفه‌جویی بکنیم؛ این همان خصوصیت اصفهانی است؛ وقتی هم می‌خواهیم در راه‌های خدایی و عمومی مصرف کنیم، باز گشاده‌دستی کنیم، این هم خصوصیت اصفهانی است. مردم اصفهان در انفاق -انفاق مال در راه خدا- آنچنان گشاده‌دستی می‌کنند که از دیگران جلو می‌افتند، اما در زندگی معمولی صرفه‌جویی می‌کنند که باز در این قسمت هم از دیگران جلو می‌افتند؛ هر دویش خوب است» (۱۳۹۵/۰۸/۲۶) این اصل مکمل اصل قبلی -خرج کردن با مقداری رفاه- است؛ زیرا صرفه‌جویی در امور شخصی و گشاده‌دستی در امور خیر و الهی را خاطر نشان می‌سازد.

نکته مهمی در بیانات معظم‌له وجود دارد و آن هم نشینی واژگان راه‌های «خدایی» و «عمومی» است. پس از «خرج کردن مال به قدر نیاز معمولی همراه با مقداری گشایش»، «آنچه زیاد می‌آید، باید در راه مصالح عمومی جامعه خرج بشود» (۱۳۶۶/۰۸/۱۵). «تخصیص منابع مالی در راه مصالح عمومی، هم‌سنگ و قرین راه‌های خدایی مانند

انفاق قرار داده شده است. تخصیص منابع مالی با قصد پیشرفت کشور نیز حسنه و ثواب است» (۱۳۸۵/۱۱/۳۰).

۱۰. دلبستگی به مال موجب غفلت از انجام وظایف الهی

«اگر راه دل بستن به پول و به زندگی و به تشریفات و به جاه و جلال و اینها را بر روی دل باز کردید، دیگر واقعاً حد یقف ندارد» (۱۳۸۷/۰۳/۰۲). یکی از آثار منفی دلبستگی به مال، غفلت از انجام وظایف مالی است: «و انفقوا فی سبیل اللّٰه و لا تلقوا بایدیکم الی التهلکة»؛ یعنی در راه خدا انفاق کنید و به دست خودتان، خودتان را در هلاکت نیندازید. که یک روایتی [در شان نزول این آیه] در بعضی از تفاسیر نقل کردند. ابویوب انصاری می گوید: «وقتی اسلام بعد از گذشت چند سالی بعد از هجرت یک عزتی پیدا کرد و یاوران اسلام زیاد شدند، ما که انصار بودیم با خودمان فکر کردیم که خب، روز اول مهاجرین محتاج به کمک ما بودند، ما آنها را کمک می کردیم و به مصارف جامعه اسلامی مدد می رساندیم. امروز دیگر خوب است ما یک قدری به خودمان برسیم، برویم سراغ کسب و کارمان و ترمیم خرابی هایمان و تهیه لوازم زندگی به قدر یک زندگی مرفه و از جهاد در راه خدا و از انفاق در راه خدا غافل می شدیم». پس از آن این آیه نازل شد و به ما گفت: در راه خدا انفاق کنید و خودتان در تهلکه نیندازید با این فکر غلط، با این تصویری که دیگر حالا ما کار خودمان را کردیم، خوب است یک قدری هم به خودمان بپردازیم و برسیم. «فتهلکة فی الاقامة فی المال و الولد»؛ همچنین در ادامه ابویوب انصاری گفت: تهلکه در این است که مسلمان پابند مال خود و زندگی خود و خانواده خود شده و از تکلیف الهی که جهاد و انفاق هست، غافل بشوند» (۱۳۶۶/۸/۲۹). این دلبستگی به مال در لسان اساتید اخلاق و عرفان، تعبیر به «تعلق و وابستگی به دنیا» یا «حب به دنیا» می شود (تهرانی، ۱۳۹۲، ص. ۱۸۰). کسب مال و دارایی و ثروتمند شدن مذموم نیست بلکه دل بستگی و تعلق به آن مذموم است. ممکن است یک نفر از کل دارایی های دنیا یک انگشتر داشته باشد ولی دل داده و دل سپرده به آن باشد و دیگری ثروتمند اما تعلق به ثروت خود نداشته باشد؛ بدین معنا که بتواند از آنها انفاق کند، در امور خیر مصرف کند و در صورت از دست دادن آنها

زندگی روحی-روانی اش مختل نشود. اولی مذموم ولی دومی بی‌اشکال بلکه ممدوح است.

۱۱. احساس مسئولیت نسبت به نیازمندان و حق آنها

هر مسلمان نسبت به فقرا مسئول است؛ مقدار این مسئولیت به عوامل مختلفی وابسته است، اما مسلمان نسبت به وضع مالی نیازمندان بی‌تفاوت نیست. «این آیه بسیار شدیدالحن: «خُذُوهُ فَغُلُوهُ. ثُمَّ الْجَحِيمِ صَلَوَهُ. ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعاً فَاسْلُكُوهُ. إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ. وَلَا يَحْضُ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ»؛ اینجا مسأله انفاق نکردن نیست، مسأله بی‌تفاوت بودن در مقابل فقر فقرا و مستمندان است. خونسرد بودن در مقابل نیازهای جامعه است؛ خونسرد هم نباید بود. حتی آن کسی که خودش هم نمی‌تواند انفاق کند، باید دیگران را وادار کند به انفاق» (۱۳۶۶/۰۸/۲۹). «از نشانه‌های تکذیب دین این است که انسان در مقابل فقر فقیران و محرومان بی‌تفاوت باشد و احساس مسئولیت نکند» (۱۳۸۱/۰۹/۱۵). از نگرش‌های قرآنی در حوزه مالی این است که در اموال مسلمانان و نمازگزاران برای سائل و محروم، حقی است؛ قرآن نمی‌گوید که شما به دیگری تفضل می‌کنید؛ می‌گوید او در مال شما حق دارد؛ «حقّ للسائل و المحروم» و در جای دیگر: «حقّ معلوم. للسائل و المحروم» (۱۳۷۰/۱۲/۱۴).

۱۲. توجه به نقش تأثیرگذار بانوان در تخصیص منابع مالی شخصی

نقش بانوان در تخصیص منابع شخصی پررنگ‌تر است، زیرا در عمل تأثیر شگفت‌آوری در نحوه مدیریت تخصیص منابع و هزینه‌کردهای خانواده می‌گذارد «البته این خطر [تجمل‌گرایی] برای مردان هم هست؛ منتها در زنان بیشتر و امکانش زیادتر است. وانگهی در این قضیه، در موارد بسیاری، مردان تحت تأثیر زنانشان قرار می‌گیرند» (۱۳۷۰/۱۰/۰۴). «اگر بانوان به‌عنوان همسران و مادران خانواده‌ها، جایگاه حقیقی خود را درک نمایند، این فرآیند آسان‌تر، به‌درستی پیش خواهد رفت» (۱۳۶۸/۰۴/۲۳). معظّم‌له تصریح می‌کنند «شان زن مسلمان بالاتر از این حرف‌هاست که اسیر زروزیور و جواهرآلات و از این قبیل شود. نمی‌خواهیم بگوییم اینها حرام است؛ می‌خواهیم بگوییم شان زن مسلمان بالاتر از این است که در دورانی که بسیاری از مردم جامعه ما محتاج

کمک‌اند، کسانی برون‌د پول بدهند طلا و زینت‌آلات و وسایل زندگی رنگارنگ بخرند و در انواع و اقسام روش‌ها و منش‌های زندگی، اسراف کنند. اسراف، الگوی زن مسلمان نیست» (۱۳۷۱/۰۹/۲۵). «البته با تظاهر به تجمل و تجمل‌گرایی در حدمعتدل کم‌ناگزیرش مخالفتی نیست؛ لیکن اگر بنا شد که روند افراطی پیدا کند، چیز بسیار مزخرفی است. در لباس، آرایش، زروزیورها و طلا و جواهرات، خانم‌ها بایستی خیلی اهمیت بدهند که امساک بشود و بی‌اعتنایی به این چیزها انجام بگیرد، تا شاید ان‌شاءالله به درخشندگی‌ها و زیبایی‌های واقعی‌تر بیشتر توجه بشود، تا به این زیبایی‌های ظاهری» (۱۳۷۰/۰۹/۱۲).

۱۳. عدم‌دلبستگی به تولیدات خارجی و توجه به تولید ملی

در این قسمت به دنبال تبیین مفهوم و چارچوب استفاده از کالای داخلی نیستیم؛ بلکه در پی تبیین اصل نگرشی‌ای هستیم که خرید تولید داخلی یا خارجی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. «مصرف کالای داخلی خطاب به همه مردم کشور است. یکی از آفات موجود اجتماعی ما که ریشه آن، میراث دوران طاغوت و دوران ظلمانی گذشته است، همین است که افراد، دلبسته به تولیدات بیگانه باشند» (۱۳۹۰/۰۲/۰۷). این اصل نگرشی مالی شخصی، ریشه در یک اصل عمومی‌تر دارد و آن اعتقاد به اصل «ما می‌توانیم» است؛ کشور می‌تواند پیش برود. کسی که معتقد به «ما می‌توانیم» - که بارها در سخنان معظم‌له تکرار شده است^{۱۹} - باشد، به کالای خارجی دلبستگی نخواهد شد و با علاقه، با خرید خود و دیگر انحاء از تولید داخلی حمایت می‌کند. «بنده برای تولید داخلی حقّ زیادی را قائلم. تولید داخلی بایستی به‌عنوان یک‌چیز مقدس شمرده بشود. حمایت از تولید داخلی باید یک وظیفه شناخته بشود؛ همه خودشان را موظف بدانند از تولید داخلی حمایت بکنند» (۱۳۹۵/۰۲/۰۸). «به‌عنوان مثال ضدارزش دانستن عاملی مانند برند و نشان خارجی - که موجب خرید محصولات خارجی‌ای که مشابه داخلی دارند می‌شود - از اصول نگرشی تخصیص مال شخصی است» (۱۳۹۵/۰۲/۲۸). از عوامل نگرشی‌ای که برخی حاضرند پول خود را به تولیدات خارجی به‌جای داخلی آن تخصیص بدهند عبارتند از: تبلیغات خارجی، رسوبات فرهنگی قبلی دال بر بی‌فایده

بودن جنس داخلی» (۱۳۸۵/۰۸/۱۸). «توجه به [نام و نشان، برای پز دادن، خودنمایی کردن (۱۳۹۱/۰۵/۰۳) و دنبال برند رفتن (۱۳۹۳/۱۱/۲۷)]. «یک مقدار هم شاید به خاطر مرغوب تر بودن جنس خارجی - این مرغوب تر بودن هم ممکن است یکی از عوامل باشد، لیکن به هر حال تعیین کننده نیست» (۱۳۸۵/۰۸/۱۸). «کیفیت امری نیست که بتوان از آن چشم پوشید و کیفیت تولید داخل مؤثر است» (۱۳۸۸/۰۲/۰۹). «معظم له بارها بر لزوم افزایش کیفیت کالاهای داخلی و این که استحکام و مرغوبیتش جوری باشد که مشتری را قانع کند تأکید کرده اند» (۱۳۹۰/۰۲/۰۷). «توجه به تبعات سوءاستفاده از کالای خارجی به جای داخلی یکی از نگرش هایی است که می تواند پشتوانه تخصیص منابع مالی به تولیدات داخلی قرار بگیرد؛ تبعاتی مانند ورشکستگی کارخانه داخلی، ناامیدی سرمایه گذار داخلی و بیکاری؛ در نتیجه بیکاری، اعتیاد، فساد و اختلافات خانوادگی و به دنبال آن، حوادث سیاسی و اجتماعی فراوان. از یک چیز کوچک و اراده شخصی شروع می شود؛ پس اراده شخصی افراد هم حتی در تحولات اجتماعی، می تواند اثرگذار باشد» (۱۳۸۵/۰۸/۱۸).

۱۴. توجه به وجود دشمن، سیاست های او و سبک زندگی غربی

پس از انقلاب اسلامی، دست استکبار و استعمار از منابع این سرزمین و منافعی قطع شد، در نتیجه درصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران برآمدند. وجود دشمن برای ملت ایران مکرراً توسط مقام معظم رهبری بیان شده است.^{۲۰} «یکی از نکاتی که بنده اصرار دارم تکرار کنم و نگذارم از ذهن کسی بیرون برود، حضور دشمن و ترندهای دشمن است» (۱۳۹۶/۰۵/۱۲). «دشمنان ما بیکار نیستند؛ عزیزان من، برادران و خواهران من! دشمنان بیکار نیستند. بله، تا امروز دشمنان نتوانسته اند لطمه اساسی به ما بزنند؛ ما جلو رفتیم، ما پیشرفت کردیم، ما به کوری چشم دشمن توانستیم کارهای بزرگ انجام بدهیم، اما دشمن در کمین است» (۱۳۹۶/۰۳/۱۴).

«از مهم ترین سیاست های استعمار، ترویج مصرف گرایی و بی اعتنایی به هویت های ملی و مبانی فرهنگی ملت هاست» (۱۳۸۵/۰۸/۱۸). «یکی از مهم ترین اهداف دشمنان ملت ایران و دشمنان اسلام این است که سبک زندگی مسلمان ها را عوض کنند و شبیه

به سبک زندگی خودشان بکنند» (۱۳۹۴/۱۰/۱۴). «سبک زندگی و فرهنگ غربی چگونه سبک زندگی ای است؟ فرهنگ غربی فقط هواپیما و وسایل آسایش زندگی و وسایل سرعت و سهولت نیست؛ اینها ظواهر فرهنگ غربی است، که تعیین کننده نیست؛ باطن فرهنگ غربی عبارت است از همان سبک زندگی مادی شهوت آلود گناه آلود هویت زدا و ضد معنویت و دشمن معنویت. شرط رسیدن به تمدن اسلامی نوین در درجه اول این است که از تقلید غربی پرهیز شود. ما متأسفانه در طول سال‌های متمادی، یک چیزهایی را عادت کرده‌ایم تقلید کنیم» (۱۳۹۱/۰۷/۲۳). دشمن تغییر سبک زندگی و فرهنگ مسلمان‌ها را با نفوذ نیز پیگیری می‌کند؛ «یعنی تغییر باورها، تغییر آرمان‌ها، تغییر نگاه‌ها، تغییر سبک زندگی؛ کاری کنند که این شخصی که مورد نفوذ قرار گرفته است، تحت تأثیر نفوذ قرار گرفته، همان چیزی را فکر کند که آن آمریکایی فکر می‌کند» (۱۳۹۴/۰۹/۰۴). میل به مصرف و خرید کالاهای لوکس، تعویض مدام دارایی‌ها، رفاه-زدگی و اشرافی‌طلبی از موتورهای محرک اصلی اقتصاد سرمایه‌داری است؛ فرهنگ-سازی این امور و بی‌اعتنایی به فرهنگ بومی و هویت ملی کشورها توسط استعمار، کشورهای در حال توسعه را به بازار مصرفی برای کالاهای بنجل خود تبدیل نمایند. در نتیجه این امر «نخبگان آن جامعه تبدیل می‌شوند به بره‌های رامی در مقابل سیاست‌های آمریکا و غرب و همان قدرت مقابل» (۱۳۹۵/۰۲/۰۱) و ^{۲۱} در تخصیص منابع مالی شخصی این اصل یعنی وجود دشمن، باید مورد توجه قرار بگیرد تا در فرآیند تخصیص منابع مالی در دام نقشه‌های دشمن نیفتیم.^{۲۲}

۱۵. اصول اقتضائی

در کنار اصول ثابت تخصیص منابع مالی شخصی، اصولی وجود دارد که بیان‌کننده شرایط و وضعیت‌های گوناگون جهت تخصیص منابع است و باعث انعطاف و انطباق-پذیری تخصیص خواهد شد. برخی وضعیت‌های مؤثر بر تخصیص در ادامه بیان خواهند شد.

۱۶. شرایط زمانی

«شرایط زمانی متفاوت، یکی از اصول اقتضائی است؛ یعنی در شرایط مختلف، تخصیص منابع مالی یکسان نخواهد بود. برای مثال، در مصرف آب، کاهش بارندگی اقتضا می‌کند صرفه‌جویی بیشتری بشود» (۱۳۷۶/۰۱/۰۱). «شرایط زمانی بر اندازه تخصیص منابع، اثرگذار است و این اندازه در هر زمانی متفاوت است» (۱۳۷۱/۰۱/۰۱). «به‌عنوان مثال می‌توان به شرایطی اشاره کرد که کشور نیاز به سرمایه‌گذاری در تولید دارد؛ بدیهی است صاحبان سرمایه در این شرایط لازم است اموال خود را به‌جای اموری مانند سفرهای خارجی بیهوده به سرمایه‌گذاری در تولید اختصاص دهند» (۱۳۸۹/۰۱/۰۱).

۱۷. توجه به درآمد کشور و مصارف اقشار مختلف

یکی از اصول اقتضائات، توجه به دخل کشور است، نه صرفاً دخل شخصی. «نمی‌شود وقتی درآمد کم است، کسانی که زیاد خرج می‌کردند، مثل وقتی که درآمد زیاد است خرج کنند؛ این را باید بفهمند. لذا خطاب من در درجه اول متمکنین کشورند؛ دستشان به دهانشان می‌رسد و می‌توانند خرج کنند؛ می‌توانند گوشت، مواد غذایی، امکانات زندگی، محصولات مدرن، انواع و اقسام وسایل برقی و ماشین‌های گران‌قیمت تهیه کنند. «چو دخلت نیست، خرج آهسته‌تر کن». نگو من دخل دارم؛ اینجا دخل شخصی ملاک نیست؛ دخل کشور ملاک است. وقتی که یک ملت مقداری درآمدش کم می‌شود، باید ملاحظه کنند. ما هر وقت به مردم گفتیم اسراف نکنید، اکثریت مردم - که طبقات متوسط هستند - گوش می‌کنند و اسراف هم نمی‌کنند؛ لیکن آن کسانی که باید گوش کنند - یعنی متمکنین و ثروتمندان که بسیاری از موارد، اسراف هم در بین آنهاست - کمتر گوششان بدهکار است» (۱۳۷۷/۱۰/۰۴).

۱۸. تأثیرگذاری جایگاه و مقام در نحوه تخصیص

«مسئولین نظام جمهوری اسلامی به تناسب جایگاه‌شان لازم است ملاحظاتی را رعایت کنند که برعهده عموم ملت نیست، زیرا رفتار اقتصادی و مالی مسئولین از دو جهت

اهمیت دارد؛ جهت اول آن است که ایشان با بیت‌المال مسلمین سروکار دارند» (۱۳۷۱/۰۳/۳۰)؛ «منابع مالی‌ای که در اختیاردارند جهت امور کشور و حق‌الناس است»^{۲۳} و از طرف دیگری رفتارهای ساختاری، کاری، مالی و شخصی آنها قابلیت الگوپذیری و سرریز به فرهنگ عمومی کشور را داراست» (۱۳۹۲/۱۲/۲۰، ۱۳۷۶/۰۱/۰۱، ۱۳۸۷/۰۹/۲۴ و ۱۳۷۷/۱۰/۰۴ و ۱۳۹۵/۱۱/۰۵) و جهت دوم زندگی شخصی خودشان. جهت اول از موضوع پژوهش خارج است، زیرا اثر مستقیمی در رفتار شخصی ایشان ندارد فلذا تنها به اشاره‌ای اکتفا شد. اما جهت دوم مربوط به تخصیص منابع مالی شخصی ایشان است. معظم‌له در این باره می‌فرماید: «وقتی من و شما زندگی‌مان را زندگی رفاه‌طلبانه و اشرافی قرار بدهیم، مردم از ما یاد می‌گیرند. یک عده‌ای منتظر بهانه‌اند؛ به ما نگاه می‌کنند، می‌گویند آقا ببینید اینها که دستشان می‌رسد چه جور زندگی می‌کنند، ما هم می‌خواهیم همین جور زندگی کنیم. یک عده‌ای معتقدند که باید در زندگی مقتصد بود، نباید اسراف و افراط کرد؛ اینها وقتی می‌بینند من و شما اسراف می‌کنیم، می‌گویند ما از اینها که بالاتر نیستیم؛ اینها که رؤسای ما هستند. اینکارها خطر دارد. روش انقلاب و انقلابیون به تبع آموزش اسلام، اعراض از زندگی رفاه‌طلبانه برای خود بود» (۱۳۹۰/۰۵/۱۶).

«امیرالمؤمنین(ع) در آن نامه معروف خود به «عثمان بن حنیف»، بعد از آنکه می‌فرماید تو سر چنین سفره‌ای بودی و چنین و چنان، زندگی خودشان را می‌فرماید: «الا و انّ امامکم قد اکتفی من دنياه بطمريه و من طعمه بقرصيه». بعد می‌فرماید: «الا و انکم لا تقدرون علی ذلک»؛ یعنی من از شماها توقع این‌طور زندگی را ندارم. بحث این نیست که ما از خودمان مسئولیت را دفع کنیم و توجیهی درست کنیم؛ نه، اگر کسی می‌تواند، باید بکند. در دنبال آن می‌فرماید: «ولیکن اعینونی بورع و اجتهاد»؛ ورع پیشه کنید و هرچه می‌توانید، در این راه سعی و کوشش نمایید. اگر آن‌طوری نمی‌توانید، تا هر جا که می‌توانید، این را دنبال کنید. ما اگر می‌خواهیم و شعار می‌دهیم که جامعه ما باید روحیه مصرف‌گرایی را کنار بگذارد و خودش را از آن چیزهایی که در فرهنگ‌های غربی ترویج می‌شود، رها کند، عمل به آن، متوقف به عمل ماست. ما هستیم که باید این را به مردم یاد بدهیم. مگر می‌شود خود ما دچار انواع و اقسام تشریفات و تجملات

ممکن باشیم، اما در عین حال از مردم توقع داشته باشیم که تجملاتی نباشند؟! اگر در جاهای دیگر شعارش را می‌دهند، ما باید عمل کنیم» (۱۳۶۹/۰۹/۱۴). «جایگاه و مسئولیت، بر تخصیص بانوان مسئول و همسران مسئولین نیز تأثیرگذار است» (۱۳۷۱/۰۹/۲۵).

۱۹. رابطه مستقیم مسئولیت و تکلیف با درآمد و بهره‌مندی

«آن کسانی که در طبقات بالاتر و بهره‌مندی‌ها و درآمد بیشتر هستند، مسئولیت و تکلیف بیشتری دارند. این قابل قبول نیست که آنها خودشان را برکنار بدارند و نکته اینجاست که جامعه اسلامی به صورت تعارف این حرف را نمی‌زند، این یک وظیفه و تکلیف است، نه فقط یک حکم اخلاقی. این همه آیات انفاق در قرآن بیان یک حکم اخلاقی نیست، بیان یک فریضه شرعی است. شما ببینید لحن «انفقوا» در قرآن همان لحن «جاهدوا فی سبیل الله» است؛ یک جور حرف زده؛ یک جور مردم را مخاطب قرار داده. بحث مسئولیت عمومی به تناسب امکانات و به تناسب بهره‌مندی‌ها در مقابل نیازهای عمومی. این یکی از وظایف و فرایضی است که بر دوش مردم هست» (۱۳۶۶/۰۷/۲۴).

۲۰. رعایت توازن بین مصرف و تولید

«تولید جامعه همیشه باید بر مصرف جامعه افزایش داشته باشد. جامعه از تولید موجود کشور استفاده کند؛ آنچه که زیادی هست، صرف اعتلای کشور شود. امروز در کشور ما این جوری نیست. مصرف ما به نسبت، از تولیدمان بیشتر است؛ این، کشور را به عقب می‌رساند و ضررهای مهم اقتصادی بر ما وارد می‌کند؛ جامعه دچار مشکلات اقتصادی می‌شود» (۱۳۸۸/۰۱/۰۱). توجه به نسبت بین تولید و مصرف در سطح شخصی طبق بیان فوق با رویکرد توجه به «منافع ملی» بیان شده است. مضاف بر این، با رویکرد «منافع شخصی» نیز هر فرد باید نسبت بین تولید ثروت و درآمد خود را با مصرف و هزینه‌کردهای خویش تنظیم کند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در این پژوهش با مبنا قراردادن بیانات مقام معظم رهبری، اصول نگرشی تخصیص منابع مالی شخصی به روش تحلیل مضمون، استخراج شد. این اصول در قالب شش اصل بنیادین ثابت شامل توجه به رزاقیت خداوند، اموال نعمت‌های الهی، آخرت‌گرایی، ریشه‌داشتن اموال شخصی در اموال عمومی، فتنه‌انگیزی مال و زیاده‌خواهی نفس انسان، تخصیص مالی دارای ظاهر و آثار آشکار و نهان، ده اصل روبنایی شامل اصلاح الگوی تخصیص منابع، رعایت ارزش‌ها در تخصیص منابع، تخصیص عاقلانه و دور از هوس، اثربخشی تخصیص منابع مالی، صرفه‌جویی در زندگی معمولی و گشاده‌دستی در راه مصالح عمومی، دلبستگی به مال موجب غفلت از انجام وظایف الهی، احساس مسئولیت نسبت به نیازمندان و حق آنها، توجه به نقش تأثیرگذار بانوان در تخصیص منابع مالی شخصی، عدم دلبستگی به تولیدات خارجی و توجه به تولید ملی، توجه به وجود دشمن سیاست‌های او و سبک زندگی غربی و پنج اصل اقتضائی شرایط زمانی، توجه به درآمد کشور و مصارف اقشار مختلف، تأثیرگذاری جایگاه و مقام در نحوه تخصیص، رابطه مستقیم مسئولیت و تکلیف با درآمد و بهره‌مندی، رعایت توازن در نسبت مصرف به تولید بیان و تشریح شد. اصول نگرشی، برنامه‌ریزی مالی شخصی هر فرد را جهت‌دهی می‌کند و مبنای برنامه‌ریزی وی قرار می‌گیرد. اصول بنیادین نسبت به اصول روبنایی، مبنایی‌تر هستند. اصول اقتضائی، باعث می‌شود هر فرد بتواند برنامه‌ریزی مالی شخصی خود را با توجه به اقتضائات و شرایط مختلف، تطبیق بدهد؛ این اصول باعث انعطاف‌پذیری برنامه‌ریزی مالی شخصی و تطبیق‌پذیری با شرایط مختلف می‌شوند. به‌عنوان مثال، اقتضائات برنامه‌ریزی مالی شخصی در شرایط تحریم و جهاد اقتصادی با شرایط عادی متفاوت خواهد بود.

توجه به اصول نگرشی که در کل فرآیند برنامه‌ریزی مالی شخصی و تخصیص منابع اثرگذار است، برای اشخاص حقیقی قابل‌استفاده است تا سبک زندگی مالی-اقتصادی خویش را در عصر غیبت مطابق با نظرات ولایت‌فقیه تطبیق دهند. ایشان در نتیجه این تطبیق، علاوه بر کسب ثواب اخروی و سبک زندگی صحیح و سالم مالی،

در تحقق اقتصاد مقاومتی نیز نقش‌آفرینی می‌کنند؛ زیرا تحقق اقتصاد مقاومتی نیاز به پیش‌فرض‌های نگرشی آحاد جامعه دارد.

با توجه به جایگاه سواد مالی و آموزش مالی شخصی در روزگار ما، لازم است آموزش مالی شخصی در سطوح مختلف آموزشی و تربیتی به‌عنوان یک سیاست جهت بهبود سطح زندگی دنبال شود. تهیه متون آموزشی و تربیتی سواد مالی و تقویت هوش مالی اشخاص در جامعه ضروری است. همچنین یکی از لوازم تحقق اقتصاد مقاومتی، همراهی اشخاص و آحاد مردم با نگرش اقتصاد مقاومتی و تعالیم اسلامی در حوزه مالی شخصی است؛ به‌عبارت‌دیگر، علاوه بر ساختارها و قوانین، لازم است نگرش اشخاص و آحاد مردم هم‌جهت با اقتصاد مقاومتی باشد؛ این مورد از الزامات تحقق اقتصاد مقاومتی است. ضروری است آموزش و نهادینه‌سازی اصول نگرشی حاکم بر مالی شخصی با روش‌های آموزشی مؤثر و به‌روز دنیا، در تشکل‌های فرهنگی-تربیتی، مراکز آموزشی، مدارس، دانشگاه‌ها و نهادهای فرهنگی و وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، به‌عنوان یک راهبرد دنبال شود.

یادداشت‌ها

1. Self-managment
2. Personal Finance
3. Finance

۴. «در این سخنرانی‌های ما هم گاهی حرف‌های خوبی در گوشه‌کنار هست؛ منتها غالباً دقت نمی‌شود و همین‌طور ناپدید می‌گردد!» (۱۳۷۷/۰۲/۰۷).

5. Spend
6. Save
7. Protect
8. Invest
9. Jamp Start
10. David Davis
11. Empirical method
12. Theme
13. Basic Themes
14. Organizing Themes
15. Global Themes

۱۶. اگر چنانچه از اسراف و زیاده‌روی و ریخت‌وپاش اموال شخصی، چه آب، چه نان، وسایل تشریفاتی زیادی در مهمانی‌ها، در عقدها، در عروسی‌ها، در بقیه مراسم و چه بقیه چیزهای دیگر پرهیز بشود، به اقتصاد ملی کمک می‌کند (۱۳۹۴/۰۱/۰۱).
۱۷. این اصل در بیانات مورخ ۱۳۶۸/۰۴/۲۸، ۱۳۶۹/۰۲/۲۶، ۱۳۶۶/۰۸/۲۹، ۱۳۷۰/۰۷/۲۴ و ۱۳۷۰/۰۷/۲۴ نیز تشریح شده است.
۱۸. در اینجا ذکر مطلبی از استاد مطهری(ره) مناسب است: «آیا مال و ثروت در درجه اول تعلق دارد به اجتماع و در درجه دوم به فرد؟ و یا اینکه ثروت به فرد تعلق دارد صددرصد؟ جواب اول است» (مطهری، ۱۳۷۴، ص. ۲۳۹).
۱۹. به‌عنوان مثال به بیانات مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۰۱ و ۱۳۹۵/۰۲/۲۸ مراجعه نمایید.
۲۰. معظم‌له در بیانات مورخ ۱۳۹۵/۰۳/۲۵ به علت دشمنی‌ها، بیشتر اشاره نموده‌اند.
۲۱. معظم‌له در بیانات ۱۳۹۶/۰۲/۲۰ اهداف دشمن در قبال جمهوری اسلامی را در سه سطح کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت تبیین کرده‌اند.
۲۲. معظم‌له طی سالیان مختلف اولویت دشمن را نیز ضربه زدن اقتصادی بیان فرموده‌اند (مراجعه کنید ۱۳۸۷/۰۲/۱۱، ۱۳۸۷/۰۳/۱۶ و ۱۳۹۵/۰۱/۰۱) و در ابلاغ‌ها و احکام خویش بارها به وجود دشمن و ابعاد نامطلوب سبک زندگی غربی‌ای که دشمن خواهان نفوذ آن در جامعه ما است، اشاره فرموده‌اند (حکم انتصاب اعضای شورای عالی فضای مجازی ۱۳۹۴/۰۶/۱۴، حکم آغاز دوره جدید شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۹۳/۰۷/۲۶، ابلاغ سیاست‌های کلی جمعیت ۱۳۹۳/۰۲/۳۰).
۲۳. برای مطالعه بیشتر به بیانات مورخ ۱۳۹۵/۰۶/۳۰ مراجعه شود.

کتابنامه

- اسلامی، سیدامیرحسن (۱۳۸۷). تدوین الگوی برنامه‌ریزی مالی شخصی با توجه به تعالیم اسلامی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران.
- پیغامی، عادل؛ و مرادی‌باصیری، امین (۱۳۹۵). *سواد مالی - مالی شخصی و خانوادگی*، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- تهرانی، مجتبی (۱۳۹۲). *رسائل بندگی (رساله دوم: حب به دنیا)*، تهران: مصابیح الهدی.

- تهرانی، مجتبی (۱۳۹۲). *رسائل بندگی (رساله دوم: حب به دنیا)*، تهران: مصابیح الهدی.
- حسینی، رضا (۱۳۸۸). *الگوی تخصیص درآمد و نظریه رفتار مصرف کننده*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- شمس، شهاب‌الدین؛ و زمانی‌نیا، زهرا (۱۳۹۴). *بررسی نقش مالی شخصی در تأمین مالی کسب‌وکارهای کارآفرینانه در شرایط اقتصادی مقاومتی. همایش ملی کارآفرینی و توسعه پایدار، مازندران: مرکز کارآفرینی و ارتباط با صنعت دانشگاه مازندران.*
- رضائیان، علی (۱۳۹۳). *مبانی و رویکردهای مدیریت خویشتن*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- رضائیان، علی (۱۳۸۸). *مبانی سازمان و مدیریت*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- عابدی‌جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمدسعید؛ فقیهی، ابوالحسن؛ و شیخ‌زاده، محمد (۱۳۹۰). *تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. دوفصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی (اندیشه مدیریت)*، ۵(۲)، ۱۵۱-۱۹۸.
- مرادی‌باصیری، امین (۱۳۹۳). *تحلیل انتقادی الگوی متعارف آموزش مالی شخصی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)*. دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۴-الف). *نظری به نظام اقتصادی اسلام*، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۴-ب). *اسلام و مقتضیات زمان*، تهران: صدرا.
- موسویان، عباس؛ و بهاری‌قراملکی، حسن (۱۳۹۱). *مبانی فقهی بازار پول و سرمایه*، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- نعمتی، محمد؛ تنهای‌مقدم، رضا؛ و مرادی‌باصیری، امین (۱۳۹۵). *اقتصاد خانوار در اسلام*، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- نرم‌افزار حدیث ولایت. مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.
- هراتیان، هادی (۱۳۹۴). *مشاوره مالی هوشمند شخصی با استفاده از نقشه ذهنی مالی. کنفرانس بین‌المللی اقتصاد مدیریت و علوم اجتماعی، اسپانیا.*

- Boyatzis, R. E. (1998). *Transforming Qualitative Information: Thematic Analysis and Code Development*. Sage.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using Thematic Analysis in Psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.
- Garman, E. T; & Fogue, R, E., (2010). *Personal Finance*, 10th edition, Charles Hartford.
- Harrington, C., & Smith, W. (2017). College Student Interest in Personal Finance education. Available at SSRN 2782788.
- Kapoor, J; Diabay, L; & Hughes, R, J., (2012). *Personal Finance*, 10th edition, McGraw-Hill.
- Kapoor, J; Diabay, L; Hughes, R, J; & Hart, M, M., (2015). *Focus on Personal Finance*, fifth edition, McGraw-Hill.
- Holloway, I., & Todres, L. (2003). The Status of Method: Flexibility, Consistency and Coherence. *Qualitative Research*, 3(3), 345-357.
- Stirling, J. (2001). Thematic Networks: an Analytic Tool for Qualitative Research. *Qualitative Research*, 1(3), 385-405.
- <https://www.khamenei.ir/>